

(۱)

در سرای اسراء و معراج

ستایش مخصوص خدایی است که پروردگار همه جهانیان است، همان خدایی که در کتاب کریم خود چنین می فرماید: { سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَى بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَى الَّذِي بَارَكْنَا حَوْلَهُ لِنُرِيَهُ مِنْ آيَاتِنَا إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ } ترجمه: «پاک و منزّه است ذاتی که بنده آش را شبی از مسجد الحرام به مسجد الأقصى - که گرداگردش را برکت داده ایم- برد؛ تا برخی از آیات خود را به او بنماییم، بیگمان اوست که شنوای بیناست»، و گواهی می دهم بر اینکه جز الله واحد و لا شریک، معبود برحق وجود ندارد، و گواهی می دهم که سرور و پیامبر ما حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه وسلم بنده و فرستاده الله است، ای خدایا! بر او درود، رحمت، سلامتی و برکات خویش را نازل فرما، و همچنان بر آل و یاران و پیروان او تا به روز رستاخیز نیز رحمت نما.

اما بعد!

بدون شک سفر اسراء و معراج پیامبر صلی الله علیه وسلم سفر با اسرار بزرگ بود؛ چون آن یگانه سفر در تاریخ بشریت می باشد که پس از سالهای درازی نصیب آخرین پیامبر گردید که در جریان این سالها او و یارانش مشکلات و سختیهای بیشماری را تجربه کردند، پس از آنکه در سال دهم بعثت عموی خود ابی طالب و همسر هوشمند و مهربان خود حضرت خدیجه رضی الله عنها را از دست داد که آنها او را همکاری و هنگام سختی و مشکلات از او پشتیبانی می کردند.

و پس از سفر غم انگیز طائف، اندوه و سختی های پیامبر صلی الله علیه وسلم افزایش یافت چون این رحلت در زندگی او (ص) خیلی سخت و طاقت فرسا بود، زیرا بعد از آنکه پیامبر صلی الله علیه وسلم از سوی قوم و خویشاوندان خود مشکلات بیشماری را متحمل شد به طرف طائف برآمد تا شاید اهالی آن از او پشتیبانی و همکاری نماید، ولی برعکس

(۲)

آنها سخت‌ترین و دشوارترین اذیت و آزار را به او رساندند، چون آنها غلامان و اطفال خود را بر او مسلط کردند تا او را با سنگها بزنند به حدی که به هر دو پای مبارک شان خون جاری شد، پس او صلی الله علیه وسلم در راه برگشت از طائف به سوی پروردگار خویش چنین دعا نمود که در آن همه مفاهیم بندگی و عاجزی به درگاه رب العزت جل جلاله، جمع شده است: «بارِ الهَا! تنها به نزد تو از نا توانی، بیچارگی، و خاری ام شکایت می کنم، ای مهربان‌ترین مهربانان! تو پروردگار ناتوانان و پروردگار من هستی، پس مرا به چه کسی می سپاری؟ آیا مرا به بیگانه می سپاری که با زشتی از من استقبال می کند؟ یا به دشمنی که او را مالک امر من قرار داده‌ای؟ اگر تو از من خشمگین نباشی پس من باکی ندارم، ولیکن عفو و مهربانی تو فراختر است برای من، پناه می برم از فرود آمدن غضب و خشم بر من، به نور روی مبارک تو که تاریکی ها را روشن و امور دنیا و آخرت را اصلاح نمود، فقط رضایت و خوشنودی تو را می طلبم، چاره و قدرتی جز از تو نیست».

از همینجا و از قلب همه این مشکلات امتحان بزرگ دیگری خداوندی به وقوع پیوست، این امتحان عبارت از رحلت و سفر اسراء و معراج می باشد که خداوند در این سفر پیامبر خود را از همه حقایق غیبی و اسرار جهانی آگاه نمود که هیچ فرشته مقرب و هیچ نبی فرستاده شده از آن آگاهی نداشتند، این نعمت برای احترام و تکریم پیامبر صلی الله علیه وسلم و تثبیت قلب او بود، و تا اینکه ایمان و یقین و اعتماد او افزایش بیابد بر اینکه خداوند همیشه با او است و خداوند ضامن و نگهبان او می باشد. خداوند امام بوصیری رحمه الله را خیر بشمار دهد چون می فرماید:

در یک شب از یک حرم به حرم دیگری سفر نمودی \*\* طوری که مهتاب از میانه های تاریکی شب سفر می کند.

(۳)

و به ترقی و پیشرفت تا حدی ادامه دادی که \*\* به جایگاه قاب قوسین رسیدی که به هیچ چشمی دیده نشده است.  
و همهء پیامبران و فرستادگان الهی در آنجا تو را \*\* مانند پیشگامی مخدوم بر خادم تقدیم و به جلو قرار دادند.  
در حقیقت معجزه اسراء و معراج یکی از بزرگترین معجزات و نشانه های است که خداوند متعال آنرا نصیب پیامبر صلی الله علیه وسلم نموده است. و ما در فضای این یادبود عطرآگین برخی از درسها و اندرزهای را یادآور می شویم که از این واقعهء تاریخی بزرگ برداشت می شود:

چنگ زدن به اسباب مخالف راستی توکل بر خداوند نیست، طوری که خداوند متعال برای پیامبر خود براق را مسخر و آماده نمود تا که وسیله و ابزار انتقال او در سفرش بوده باشد با آنکه خداوند می توانست پیامبر خود را بدون وسیله و ابزار به اسراء و معراج ببرد، و با وجود آنکه پیامبر صلی الله علیه وسلم باور و یقین کامل و توکل راستین به خداوند داشت مگر اینکه هنگامی به بیت المقدس رسید براقی را که خداوند در خدمتش مسخر نموده بود را بسته نمود، تا به امت خود بیاموزاند که حتما باید به اسباب چنگ بزنند، پیامبر صلی الله علیه وسلم می فرماید: «آنرا به همان حلقهء بسته نمودم که پیامبران اسپان خویش را بسته می نمودند»، امام نووی می فرماید: "در بسته نمودن براق تمسک به اسباب و احیاط در امور می باشد، این امر مخالف توکل بر خداوند نیست".  
پس مسلمان حقیقی مانند مردی کار و تلاش می کند که گویی او را جز عملش چیز دیگری نجات نمی دهد، و مانند مردی بر خداوند توکل می کند که گویی میداند بر او جز آنچه که خداوند نوشته است نمی رسد، همین درک درست و متوازن هدف از فرمودهء پیامبر صلی الله علیه وسلم می باشد که پیرامون چنگ زدن به اسباب چنین می فرماید: «اگر بر یکی از شما قیامت برپا شود و در دست او نهالی بوده باشد باید آنرا

(۴)

غرس نماید»، و در حدیث دیگری پیرامون توکل نمودن بر الله می فرماید: «اگر شما بر خداوند به طور درست توکل نمایید هر آینه شما را چنان روزی می دهد که پرنده را روزی می دهد چون این پرنده در صبحگاهان به شکم گرسنه خارج می شود و شامگاهی با شکم سیر و پُر بر می گردد».

برادری همه پیامبران و فرستادگان الهی: انبیا و فرستادگان خداوند همه در اصول عقاید صاحب یک رسالت بودند، اگرچه در فروع شریعت و مناہج احکام، متعدد و مختلف هستند، خداوند متعال می فرماید: {وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رَسُولٍ إِلَّا نُوحِي إِلَيْهِ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاعْبُدُونِ} ترجمه: «و ما پیش از تو هیچ پیامبری را نفرستادیم؛ مگر آنکه به او وحی کردیم که: معبودی جز من نیست، پس تنها مرا عبادت کنید»، و پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمود: «پیامبران برادران علاتی هستند، مادران شان مختلف و دین شان یکی است».

و حضرت عبد الله بن عباس رضی الله عنهما پیرامون توصیه های ده گانه که در این آیت قرآن کریم وارد شده می فرماید: {قُلْ تَعَالَوْا أَتْلُ مَا حَرَّمَ رَبُّكُمْ عَلَيْكُمْ أَلَّا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ مِنْ إِمْلَاقٍ نَحْنُ نَرْزُقُكُمْ وَإِيَّاهُمْ وَلَا تَقْرَبُوا الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطَّنَ وَلَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ ذَلِكَمْ وَصَاكُمْ بِهِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ \* وَلَا تَقْرَبُوا مَالَ الْيَتِيمِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ حَتَّىٰ يَبْلُغَ أَشُدَّهُ وَأَوْفُوا بِالْكَيْلِ وَالْمِيزَانَ بِالْقِسْطِ لَا تَكْفُفْ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا وَإِذَا قُلْتُمْ فَاعْدِلُوا وَلَوْ كَانَ ذَا قُرْبَىٰ وَبِعَهْدِ اللَّهِ أَوْفُوا ذَلِكَمْ وَصَاكُمْ بِهِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ \* وَأَنْ هَذَا صِرَاطِي مُسْتَقِيمًا فَاتَّبِعُوهُ وَلَا تَتَّبِعُوا السُّبُلَ فَتَفَرَّقَ بِكُمْ عَنْ سَبِيلِهِ ذَلِكَمْ وَصَاكُمْ بِهِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ} ترجمه: «بگو: بیاوید آنچه را پروردگارتان بر شما حرام کرده است، برای تان بخوانم: آنکه چیزی را شریک او قرار ندهید، و به پدر و مادر نیکی کنید، و فرزندانتان را از بیم فقر نگشید، ما شما و آنها را روزی می دهیم و به کارهای زشت و ناشایست آنچه آشکار باشد یا

(۵)

پنهان نزدیک نشوید، و کسی را که خداوند کُشتنش را حرام کرده است، جز به حق؛ نکشید، این چیزی است که خداوند شما را به آن سفارش نموده است؛ باشد که خرد ورزید \* و به مال یتیم نزدیک نشوید، مگر به نیکوترین وجهی که برای اصلاح باشد تا که به سن رشد خود برسد، و حق پیمان و وزن را به عدالت ادا کنید، ما هیچ کس را جز به اندازه توانش تکلیف نمی کنیم. و هرگاه سخن گویند پس عدالت را رعایت کنید، حتی اگر در مورد نزدیکان شما بوده باشد. و به عهد و پیمان خدا وفا کنید، این چیزی است که خداوند شما را به آن سفارش نموده است، تا باشد متذکر شوید \* و این راه مستقیم من است، پس از آن پیروی کنید و از راههای پراکنده پیروی نکنید، که شما را از راه خدا دور می کند، این چیزی است که خداوند شما را به آن سفارش نموده است، شاید پرهیزگار شوید»، حضرت عبد الله بن عباس می گوید این آیات محکمی است که در هیچ دین و شریعتی نسخ نشده است، و اینها بر همه فرزندان آدم حرام است، آنها اصل و اساس کتاب می باشند، کسی که به آنها عمل کند وارد بهشت می شود و کسی که آنها را ترک کند وارد دوزخ می گردد. و در واقع یکی از نشانه های بزرگ قدرت خداوند این است که به فضل و کرم خود پیامبر خود را با همه پیامبران و فرستادگان قبلی خود در بیت المقدس جمع نمود تا او (ص) در نماز، امام آنها باشد، و همچنین همه پیامبران او (ص) را در آسمانها استقبال نموده فرمودند: «پیامبر و برادر صالح و نیکوکار ما خوش آمدید»، این امر اذن انتقال امامت در روی زمین به پیامبر صلی الله علیه وسلم می باشد، و در عین حال تطبیق عملی پیمان و میثاقی می باشد که خداوند از پیامبران گرفته بود، چنانچه می فرماید: {وَإِذْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ النَّبِيِّينَ لَمَا آتَيْنُكُمْ مِنْ كِتَابٍ وَحِكْمَةٍ ثُمَّ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مُصَدِّقٌ لِمَا مَعَكُمْ لَتُؤْمِنُنَّ بِهِ وَلَتَنْصُرُنَّهُ قَالَ أَأَقْرَرْتُمْ وَأَخَذْتُمْ عَلَىٰ ذَلِكُمْ إِصْرِي قَالُوا أَقْرَرْنَا قَالَ فَاشْهَدُوا وَأَنَا مَعَكُمْ مِنَ الشَّاهِدِينَ} ترجمه: «و به یاد بیاورید هنگامی را که خداوند از پیامبران

پیمان گرفت که هرگاه به شما کتاب و حکمت دادم، سپس پیامبری به سوی شما آمد که آنچه را با شماست تصدیق می کند، باید به او ایمان بیاورید و او را یاری کنید. آنگاه فرمود: آیا اقرار کردید، و بر این امر پیمانم را پذیرفتید؟ گفتند: اقرار کردیم، فرمود: پس گواه باشید و من نیز با شما از گواهانم» حضرت علی بن ابی طالب و عبد الله بن عباس رضی الله عنهما می فرمایند: «خداوند از همه پیامبران فرستاده خود پیمان و میثاق گرفت که اگر خداوند محمد صلی الله علیه وسلم را فرستاد و آنها زنده بودند باید به او ایمان بیاورند و او را یاری نمایند، و پیامبران را امر نمود تا از امت شان پیمان بگیرند وقتی خداوند محمد صلی الله علیه وسلم را فرستاد و آنها زنده بودند باید به او ایمان بیاورند و او را یاری کنند».

جایگاه مسجد الأقصی در ضمن مسجد الحرام: اسراء پیامبر صلی الله علیه وسلم به آن پایان یافت و معراج او (ص) به سوی آسمانها و سپس به سوی سدرت المنتهی از آنجا آغاز گردید، همچنان آن نخستین دو قبله مسلمانان و سوم حرمین و یکی از سه مسجدی می باشد که برای ادای نماز و کسب ثواب در آن بار سفر بسته می شود، همینطور دومین مسجدی است که در روی زمین بنیان گذاری شده است، حضرت ابی ذر رضی الله عنه می گوید گفتم ای پیامبر خدا! کدام مسجد برای نخستین بار در روی زمین نهاده شده است؟ فرمود: «مسجد الحرام»، گفتم سپس کدام مسجد؟ فرمود: «مسجد الأقصی»، گفتم میان بنیانگذاری این دو مسجد چقدر فاصله وجود دارد؟ فرمود: «چهل سال»، سپس بعد از این اگر در هر جای وقت نماز رسید نمازت را بخوان چون فضل و برتری در همان جا است. ادای یک نماز در مسجد الأقصی بهتر از پنجصد نماز در دیگر مساجد به غیر از مسجد حرام و مسجد نبوی می باشد، طوری که پیامبر صلی الله علیه وسلم می فرماید: «فضیلت یک نماز در مسجد الحرام برابر با صد هزار نماز است، و فضیلت یک نماز در

(۷)

مسجد من (مسجد نبوی) برابر با هزار نماز و در مسجد الاقصی برابر با پنجاه نماز می باشد»، پس مسجد الاقصی یک بخش غیر قابل تجزیه ی از مقدسات اسلامی می باشد، و این مسجد در دل امت محمد صلی الله علیه وسلم جایگاه ویژه دارد، و آن به دوش همه مسلمانان امانت است، پس نباید در حفظ و نگهداری این امانت سهل انگاری و بی کفایتی نماییم، همچنین بر ما واجب است تا این مفهوم را در ذهن فرزندان خود کشت نماییم تا که نسل‌های آینده جایگاه و قدسیت مسجد الاقصی نزد مسلمانان را فراموش نکنند.

اقول قولى هذا واستغفر الله لى ولكم!!!

ستایش مخصوص خدایی است که پروردگار جهانیان است، و گواهی می دهد که جز الله واحد و لا شریک معبود دیگری نیست، و گواهی می دهد که حضرت محمد صلی الله علیه وسلم بنده و فرستاده خدا است، بار خدایا بر او و بر همه آل و اصحاب او رحمت، سلامتی و برکت نازل نما!.

برادران اسلام!

در آغاز ماه اوریل هر سال همه جهان روز یتیم را گرامی می دارند، ولی آموزه های دین حنیف اسلامی ما پیش از همه سازمانها و نهادهای انسانی به یتیم اهتمام بیشتر داده و از حقوق او دفاع نموده است، طوری که خداوند متعال می فرماید: ﴿وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الْيَتَامَىٰ قُلْ إِصْلَاحٌ لَهُمْ خَيْرٌ وَإِنْ تُخَالِطُوهُمْ فَإِخْوَانُكُمْ وَاللَّهُ يَعْلَمُ الْمُفْسِدَ مِنَ الْمُصْلِحِ وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَأَعْنَتَكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ﴾ ترجمه: «و از تو در باره یتیمان می پرسند، بگو: اصلاح کردن کار آنان بهتر است، و اگر با آنان همزیستی کنید، آنها برادران دینی شما هستند، و خداوند تبهکاران را از درستکاران می شناسد، و اگر خدا می خواست شما را به زحمت می انداخت، به راستی که خداوند توانمند حکیم است»، کسی که پیرامون این آیت مبارک فکر

(۸)

و تدبیر نماید می بیند که تعبیر قرآن کریم به واژهء (اصلاح) آمده است تا که شامل همه راه های رعایت و اهتمام به یتیم بوده باشد، چون اصلاح اسمی است که در ضمن آن همه انواع ضروریات یتیم شامل می شود، پس گاهی یتیم نیازمند مال می باشد در این صورت اصلاح به معنای نیکویی و عطای مادی می باشد، و گاهی یتیم ثروتمند می باشد پس در این صورت شاید نیازمند تربیت و تقویم بوده باشد، پس اصلاح در اینجا به معنای رعایت و تربیت است، و گاهی نیازمند کسی می باشد که برای ثروتش را تجارت نماید، و یا امور کشاورزی و صنعت او را پیش ببرد، پس در این حالات اصلاح به مفهوم انجام آن اعمال می باشد، و گاهی نیازمند این چیزها نیست بلکه به مهربانی و عطف و احساس پدری ضرورت دارد پس اصلاح در صورتی به وجود می آید که چنین مهربانی و عطف و برایش مهیا گردد، و گاهی اصلاح در درست و راست ساختن کج رفتاری ها و تنظیم سلوک و اخلاقش متحقق می گردد. و متون قرآن و احادیث نبوی به چنین مفاهیم عام و شامل رعایت و کفالت یتیم آمده است و از ما می خواهد تا احوال یتیمان را اصلاح و منظم بسازیم، و امور زندگی شان را مرتب نماییم.

پیامبر ما حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه وسلم می فرماید: «کسی که با یتیم خود و یا یتیمی که با او است نیکی و خوش رفتاری نماید و امور آنرا اصلاح سازد من و او در بهشت چنین می باشیم (دو انگشت سبابه و میانهء خود را با هم یکجا نمود)»، همچنین فرمود: «بهترین خانه مسلمانان همان خانهء است که در آن یتیم است و با او به نیکی و خوش برخورداری رفتار می شود، و بدترین خانهء مسلمانان همان خانهء است که در آن یتیم است و با او بد رفتاری می شود»، و در حدیث دیگری فرمود: «من و کسی که سرپرستی یتیم - خود یا یتیم دیگری- را به عهده دارد در بهشت چنین می باشیم، (با انگشت سبابه و میانهء خود اشاره نمود)».



(۹)

ای الله! ما را از جمله کسانی بگردان که سخن حق را می شنوند و از آن به وجه احسن پیروی می کنند، آنها کسانی اند که خداوند ایشان را هدایت نموده و آنها اصحاب خرد و عقل هستند.